



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی رحمته الله

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه	۳۶	تاریخ	۱۴۰۳/۰۸/۲۸
عنوان ۱	خبر واحد				
عنوان ۲	بررسی اصل حجیت خبر واحد				
عنوان ۳	ادله قائلین حجیت خبر واحد				
عنوان ۴	نوع اول: استدلال به کتاب				
عنوان ۵	استدلال به آیه نفر				
عنوان ۶	بیان جامع شهید صدر رحمته الله در آیه نفر				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

مرور و تکمیل مباحث گذشته

بحث ما در بیان جامعی بود که استاد شهید برای دلالت آیه نفر بر حجیت خبر تقریر کرده بودند که متضمن تمام وجوه و احتمالات مربوط به آیه است تا روشن شود بر اساس چه احتمال و وجهی می توان دلالت آیه بر حجیت خبر را اثبات کرد. بیان شد که تقریر شهید صدر را در ضمن چند بند بیان می کنیم.

بند اول این بود که در متعلق حذر، سه احتمال وجود دارد: احتمال اول اینکه حذر، حذر از عقاب باشد؛ دوم اینکه حذر از مخالفت واقع و تقویت غرض مولا باشد و سوم اینکه آیه مجمل و دایر بین دو امر باشد.

بند دوم این بود همانطور که در گذشته نیز بیان کردیم، وجوب حذر یا به دلیل دلالت «لعل» بر مطلوبیت حذر است؛ یا به دلیل این است که اگر حذر واجب نباشد، لغویت در کلام حکیم پیش می آید؛ زیرا انذار برای حذر واجب است؛ وجه سوم این بود که حذر، غایت وجوب انذار است و وجوب ذی الغایة نمی تواند از وجوب غایت اوسع باشد؛ لذا چون وجوب انذار مطلق است و شامل خبر غیر مفید علم نیز می شود، حذر نیز حذر از اعم انذار مفید علم و غیر مفید علم خواهد بود.

بند سوم این بود که بنابر فرض اول (حذر از عقاب باشد) و وجه اول از وجوب حذر که مبنی بر این بود که «لعل» دلالت بر مطلوبیت حذر دارد، پنج احتمال به وجود می آید.

در بند چهارم، به این پنج احتمال پرداختیم و تعدادی از آنها را بیان کردیم.

احتمال اول این بود که وجوب حذر، وجوب مولوی به وجوب حذر از عقاب است که از آن، حجیت انشاء می شود؛ یعنی شارع می خواسته با بیان وجوب حذر، انشای حجیت کند. گفتیم این احتمال معقول نیست؛ زیرا حذر، مترتب بر تنجز

عقاب است. به عبارت دیگر، حجیت است که عقاب آور است و عقاب، از حجیت نشأت می گیرد؛ نه اینکه حجیت از عقاب نشأت بگیرد.

احتمال دوم این است که وجوب حذر، حکم مولوی باشد؛ اما متعلق به خصوص حذر ناشی از علم به عقاب است، به نحوی که علم به عقاب، تحت امر قرار بگیرد؛ مانند اینکه این گونه گفته باشد: «یجب علیک ان تحذر حذراً علمياً ای ناشئاً من العلم» که در این صورت مکلف باید برود علم به عقاب را نیز تحصیل کند و از آن حذر کند. در اشکال به این احتمال گفتیم که علم در اینجا، متعلق المتعلق است و متعلق المتعلق، نمی تواند مقدمه وجود باشد؛ بلکه مقدمه فعلیت وجوب است؛ به تفصیلی که در جلسه گذشته بیان شد.

در احتمال سوم، وجوب حذر، وجوب ارشادی است؛ ارشاد به تخلص از عقابی است که به ملاک حصول علم از قول منذر حاصل می شود. یعنی می گوید حذر کن از عقاب بر مخالفتی که چون علم به قول منذر داری، بر تو مترتب می شود. به عبارت دیگر چون از قول منذر، علم حاصل می شود، شارع می گوید حذر لازم است. این حکم، ارشاد به همان حکم عقل است که حذر از قول علم آور منذر را لازم می داند. این وجه نیز خلاف ظاهر آیه است؛ زیرا باعث می شود که «لِیُنْذِرُوا»، مقید شود به «لِیُنْذِرُوا»ی موجب علم؛ درحالی که آیه مطلق است و شامل انذار غیر موجب علم نیز می شود.

احتمال چهارم نیز این بود که وجوب حذر، وجوب ارشادی باشد؛ اما ارشاد به تخلص از عقابی باشد که از ملاک حجیت قول منذر نشأت گرفته است؛ نه از علم آور بودن قول منذر. به عبارت دیگر می گوید از قول منذر حذر کن به این دلیل که قول منذر حجت است.

ایشان می فرماید بنابر این احتمال، دو فرض می تواند وجود داشته باشد: یک فرض این است که وجوب حذر، به صورت قضیه حقیقه باشد. این فرض را ما چنین تصویر می کنیم که مانند این است که بگوید: «الحذر واجب عن قول المنذر تخلصاً من استحقاق العقاب الناشئ من حجة قول المنذر».

شهید صدر رحمته الله علیه می فرمایند این فرض نیز باطل است؛ زیرا این فرض با اطلاق وجوب حذر در آیه سازگار نیست؛ زیرا حجیت قول منذر به تنهایی، موجب وجوب حذر نمی شود؛ بلکه علاوه بر حجیت قول منذر، نیاز به علم به این حجیت وجود دارد و الا حجیت قول منذر در واقع که برای مکلف معلوم نباشد، موجب وجوب حذر نمی شود.

[در پاسخ به پرسش یکی از شاگردان:] مکلف که نمی داند وجوب حذر از این ملاک نشأت گرفته است؛ بلکه فرض می کنیم که از این ملاک نشأت بگیرد؛ و الا اگر مکلف بداند که این ملاک نشأت گرفته است، مشکلی وجود نخواهد داشت. خلاصه اینکه اگر گفتیم چنین قضیه حقیقه ای وجود دارد، بدین معناست که حجیت واقعی قول منذر، موجب حذر باشد؛ درحالی که حجیت واقعی قول منذر نمی تواند موجب حذر باشد؛ بلکه حجیت آن باید معلوم باشد تا منشأ حذر باشد. فرض دوم این است که وجوب حذر، به نحو قضیه خارجی باشد؛ یعنی مولا می داند که مکلف، حجیت قول منذر را قبول دارد؛ ولو از باب ارتکاز عقلی یا سیره عقلایی. هنگامی که حجیت مفروغ عنه بود، به صورت قضیه خارجی به او می گوید باید از قول منذر حذر کنی به ملاک حجیتی که دارد. دیگر در این فرض، این اشکال پیش نمی آید که حجیت واقعی برای حذر

مكلف كفايت نمی‌کند؛ زیرا فرض این است که حجیت برای مكلف مفروع عنه است. شهید صدر رحمته الله علیه می‌فرماید در این فرض، آیه دلالت بر حجیت خبر خواهد داشت^۱.

اشکال بر کلام شهید صدر

ما بر این کلام استاد شهید اشکال داریم که آنچه در این مقام مقصود است این است که حجیت، از وجوب حذر استفاده شود؛ یعنی بگوییم به این دلیل که چون حذر واجب است، پس قول منذر حجت است؛ اما در این فرض، گفته می‌شود که وجوب حذر، مترتب بر حجیت پیشین است؛ لذا از این تقریب، حجیت استفاده نمی‌شود؛ بلکه این تقریب مبتنی بر حجیت مفروع عنها است و به تعبیری مصادره به مطلوب است.

و صلّی الله علی محمد و آله الطّاهرين

۱. متن تقریرات شهید صدر رحمته الله علیه چنین است: «الرابع: أن يكون إرشاداً إلى التخلّص من استحقاق العقاب الثابت بملاك حجّية قول المنذر. وهذا أيضاً لا ينسجم مع إطلاق الآية بعد فرض حملها على القضية الحقيقية؛ إذ مجرد حجّية قول المنذر لا تكفي ملاكاً لاستحقاق العقاب، بل هو مشروط بحصول العلم بالحجّية، بينما الآية مطلقة من هذه الناحية. نعم، يمكن إصلاح هذا الوجه بنحو لا يتعارض مع إطلاق الآية بفرض القضية خارجية، وأن المولى كان يعلم بتحقق هذا الشرط وهو العلم بالحجّية ولو ارتكازاً، ولنا جعل موضوع الحكم بنحو القضية الخارجية ذات الإنذار؛ للفراغ عن تحقّق القيد الآخر بأن يفترض أنهم كانوا مبّلعين بالحجّية قبل هذا، والحجّية بالنسبة لنا تثبت عندئذٍ بالقطع بعدم الفرق بيننا وبينهم». مباحث الأصول؛ جزء الثاني من القسم الثاني، ص ۴۸۵.